



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال پانزدهم / شماره شصتم / زمستان ۱۴۰۰

امام حسن عسکری علیه السلام در مواجهه با چالش‌های عصر امامت در آستانه غیبت *

حسین قاضی خانی^۱

چکیده

جامعه امامیه به روزگار امامت امام حسن عسکری علیه السلام علیرغم کوتاهی آن نسبت به ایام امامت دیگر امامان با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است که می‌توانستند در مسیر هدایت پیروان امام خلل‌های جدی ایجاد نمایند. لذا آگاهی از چالش‌ها و چگونگی گذر از آنها شناخت مناسب‌تری از فعالیت‌های امام یازدهم به دست می‌دهد (مسئله و ضرورت). در راستاشناسی این چالش‌ها ابتدا با رصد میراث حدیثی و داده‌های منابع کهن در مورد حوادث روزگار امامت یازدهمین پیشوای امامیه توصیف این چالش‌ها و بستر بروز آن مدنظر بوده است و سپس چگونگی مواجهه امام با این چالش‌ها بیان گردیده است (روش). مصداق‌شناسی امام، جریان‌های انحرافی، دور ماندن شیعیان از دسترسی به امام در راستای کسب معارف دینی و بروز اختلاف و انحراف در سازمان وکالت چالش‌هایی بوده‌اند که امام در تلاش بوده است تا با تبیین امر امامت، استدلال بر بطلان اندیشه‌های جریان‌های انحرافی، بهره‌گیری از ظرفیت عالمان امامیه برای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، بهره‌گیری از ظرفیت بزرگان منطقه در رفع اختلاف و اطلاع‌رسانی مناسب به شیعیان برای در امان بودن از انحراف و خیانت کارگزاران سازمان وکالت جامعه امامیه را از این بحران‌ها به سلامت عبور دهد (یافته‌ها).

واژگان کلیدی

امام حسن عسکری علیه السلام، چالش، انحراف، وکالت، امامیه.

مقدمه

امام حسن بن علی بن محمد علیه السلام با کنیه ابومحمد به عنوان یازدهمین پیشوا رهبری امامیه را به سال‌های ۲۵۴ تا ۲۶۰ هجری قمری عهده‌دار بوده است. این امام که بیشتر با لقب عسکری از وی یاد می‌شود با آن‌که کوتاه‌ترین ایام امامت در میان امامان را داشته است اما به سبب شرایط خاص سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، عصر ایشان با چالش‌های فراوانی روبه‌رو

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (H.qazikhani@isca.ac.ir).

بوده است. چالش‌هایی که واکاوی تاریخی آنها افزون بر شناخت شرایط جامعه عصر امام چگونگی مواجهه حضرت را نیز در راستای عبور دادن امامیه از بحران‌های فرارو به همراه خواهد داشت. لذاست که این امر به عنوان مسئله محوری این پژوهش مورد کاوش قرار گرفته است.

در امر پیشینه باید گفت در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر فرقه‌های عصر امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) و موضع‌گیری امامان» انتشار یافته در کتاب مجموعه مقالاتی «شکوه سامراء» حسین رحمانی با همکاری یدالله حاجی زاده کوشیده‌اند ضمن بر شمردن فرقه‌های عصر امامین عسکریین (ع) گزارش‌های مقابله این دو امام با این فرقه‌ها را بازتاب دهند. همچنین ریحانه کریم‌زاده به همراه رضیه‌سادات سجادی در مقاله‌ای انتشار یافته در پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی با عنوان «بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین (ع) با فرق، مذاهب و جریان‌های فکری معاصر آنان» چنان‌چه از عنوان مقاله هویداست در تلاش بوده‌اند تا چگونگی مواجهه این دو امام را با گروه‌های مختلف اندیشه‌ای در روزگار خودشان به تصویر کشند. «رفتارشناسی امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت» مقاله‌ای به قلم مجید احمدی کجایی و روح‌الله ترابی میبیدی دیگر اثری است که در آن نویسندگان به معرفی جریان‌های انحرافی و نوع مواجهه امامین عسکریین (ع) با آنها اهتمام داشته‌اند. چنان‌چه ملاحظه می‌شود تنها در بحث مواجهه با اندیشه‌های انحرافی می‌توان تا حدودی میان این مقالات با مسئله این نوشتار ارتباط پیشینه‌ای جست که آن هم در بخش غالیان به دلیل انتساب دادن فعالیت‌های امام هادی (ع) به امام عسکری (ع) به خصوص در دو مقاله اخیر مشابهت تنها در عنوان کلی است و در محتوا شواهد با یکدیگر متفاوت می‌باشند. نکته دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که در این مقالات مواجهه با تمامی جریان‌ها مدنظر بوده است در حالی که در این نوشتار مقابله با جریان‌هایی مطرح است که بروز بیشتری در جامعه داشته و به اصطلاح چالش‌آفرین بوده‌اند.

باید توجه داشت چالش در معنای به کار رفته در این نوشتار در لغت برآمده از جدال و زدوخورد است. (دهخدا، ۱۳۸۸ ش: ج ۱۷، ۹۶؛ معین، ۱۳۷۵ ش: ج ۱، ۱۲۶۹) در معنای اصطلاحی نیز چالش با توجه به مفهوم لغوی به کشمکش، تعارض و تقابل تعریف گردیده که بیش از یک ترجمه لغت‌نامه‌ای نیست. در راستای فهم بهتر این واژه باید به اصطلاحات مشابه مانند بحران، تهدید و خطر نیز دقت داشت. لذاست که در اصطلاح چالش را به شرایط و

وضعیتی که مسیر جامعه را مورد هجوم قرار داده به گونه‌ای که حفظ تعادل آن به مشکل دچار آمده و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌باشد، باید تعریف کرد. (ذو علم، ۱۳۸۴ ش: ۳۴-۳۷) براساس این تعریف مسئله مورد پژوهش در این نوشتار شیوه مقابله امام عسکری (علیه السلام) با آن دسته از رخدادهایی است که به نوعی جامعه امامیه طرفدار حضرت را می‌توانسته است با بحران مواجه سازد. بدین منظور ابتدا در واکاوی احادیث و مکتوبات منتسب به امام عسکری (علیه السلام) آن دسته از داده‌ها که بروز خاصی نسبت به رخدادهای عصر امامت ایشان داشته‌اند رصد گردید تا با بررسی بستر رخداد مشخص شود چه آسیبی از آن امر متوجه جامعه امامیه بوده است و در ادامه نوع مواجهه حضرت با آن چالش با توجه به داده‌های منابع کهن بیان شده است.

در بررسی داده‌های تاریخی، مواجهه امام عسکری (علیه السلام) با چالش‌های روزگار امامت‌شان در این وقایع چهره نشان داده است:

چالش در مصداق یابی امام: نخستین چالش فراوری امام حسن عسکری (علیه السلام) در ایام امامت اثبات امر امامت بر ایشان بود. بستر شکل‌گیری این چالش را باید در این امور جست. نخست آن‌که با شهادت امام هادی (علیه السلام) گروهی از پیروان آن جناب از امامت و مهدویت محمد فرزند وفات یافته امام دهم سخن به میان آوردند. (اشعری، ۱۳۶۰ ش: ۱۰۱؛ نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۹۴) اندیشه‌ای که سابقه تاریخی آن را می‌توان در انگاره امامت اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند امام صادق (علیه السلام) رصد کرد. (اشعری، ۱۳۶۰ ش: ۸۰-۸۱؛ نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۶۷-۶۸) محتوای برخی روایات حکایت از شکل‌گیری انگاره جانشینی محمد در اذهان برخی از پیروان امام هادی (علیه السلام) به روزگار امامت ایشان دارد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲، ۳۱۵) به نظر می‌رسد قصد محمد برای حرکت ضد دستگاه حاکم در تمایل برخی شیعیان به زعامت او بی‌تأثیر نبوده باشد. (ابن صوفی، ۱۴۲۲ ق: ۳۲۵) دوم آن‌که گروه دیگری در اطراف جعفر برادر کهنتر امام عسکری (علیه السلام) گرد آمده بودند. (نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۹۵) گرد آمدن این گروه هر چند کوچک به ضمیمه رفتار بروز یافته از جعفر در آغازین ایام روزگار غیبت صغری می‌تواند نشان از آن داشته باشد که جعفر داعیه امامت در سر می‌پرورانیده است. باید دانست فعالیت‌های برخی از رهبران جریان‌های غالی‌گرانه درون شیعی بر نشر انگاره جانشینی جعفر در میان شیعیان بی‌تأثیر نبوده است. (همان: ۱۰۰) سومین امری که می‌توانست در شکل‌گیری این چالش نقش‌آفرین بوده باشد فرزند نداشتن در ظاهر امام عسکری (علیه السلام) بوده است. همان‌گونه که این امر در روزگار امام رضا (علیه السلام) بحران‌آفرین گردید.

هرچند طبق داده‌های منابع فرقه‌شناسی اختلاف در تشخیص مصداق امام در پی شهادت ائمه علیهم‌السلام امری قرین به سابقه بوده است و با آن که تلاش‌های امام هادی علیه‌السلام و نصوص فراوان ایشان بر جانشینی امام عسکری علیه‌السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۱۴) بیشتر پیروان امام هادی علیه‌السلام را در کنار فرزندش ابومحمد علیه‌السلام گرد آورده بود، (اشعری، ۱۳۶۰ش: ۱۰۱؛ نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۹۵) اما سخنی بازتاب یافته از امام عسکری علیه‌السلام نشان از آن دارد که در روزگار امامت ایشان چالش جدی فراروی آموزه باورمندی به امامت حضرت پدید آمده بوده است. از احمد بن اسحاق اشعری که در شمار سران شیعه در قم و از اصحاب خاص امام یازدهم بود (نجاشی، ۱۳۶۳ش: ۹۱) نقل شده است: از ناحیه ابومحمد علیه‌السلام در ضمن سخنانی به یکی از افرادش چنین آمد:

آن گونه که من گرفتار تردید این مردم شده‌ام، درباره هیچ یک از پدرانم گرفتاری پیش نیامده بود. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۲۲)

براساس این روایت و روایت دیگری از احمد بن اسحاق چنین برمی‌آید که انگاره انقطاع امر امامت در روزگار امام یازدهم به شدت چهره نشان داده بود. از احمد بن اسحاق آمده است:

بر مولای خود امام عسکری علیه‌السلام وارد شدم فرمود: ای احمد! در آن شك و تردیدی که گریبان‌گیر مردم شده بود حال شما چگونه بود؟ گفتم: ای آقای من! چون آن نامه رسید همه ما از مرد و زن حتی بچه‌ای که به فهم رسیده بود به حق عقیده‌مند گردیدند. سپس امام علیه‌السلام فرمود: خدا را بر آن سپاس می‌گویم. ای احمد! آیا نمی‌دانید که زمین خالی از حجت نباشد و من آن حجت هستم. (همان)

براین اساس می‌توانیم امام به تبیین امر امامت خویش اهتمام داشته باشد لذاست که در ادامه اولین روایت نقل شده از احمد بن اسحاق آمده است امام عسکری علیه‌السلام در جهت باطل ساختن تردید انقطاع امامت چنین استدلال کرد: اگر این امر امامت امری موقت بود و شما بدان معتقد و متدین شده بودید جایی برای تردید خواهد بود ولی اگر همچون دیگر امور الهی امامت نیز امری پیوسته بوده است دیگر شک و تردید چه معنی دارد؟ (همان) استدلال امام آن است که امامت امری پیوسته است و پذیرفتنی نباشد که در دوره‌ای این منصب بدون متصدی باشد. استدلالی که از جانب دیگر ائمه نیز با عبارات مشابه قابل رصد است. (صفر، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۷۸)

اما باید دانست سخن از خالی نبودن زمین از امام و حجت به تنهایی در زدودن این تردیدها کافی نمی‌نمود زیرا طبق باور امامیه می‌بایست امام را فرزندی باشد که عهده‌دار منصب امامت

پس از ایشان گردد. به عبارت دیگر مسئله نبود ظاهری فرزند برای امام خود سبب می‌گشت تا در امامت یازدهمین حجت تردید حاصل آید. چنان‌چه در چالش آفرینی واقفیه به روزگار امامت امام رضا علیه السلام عدم وجود فرزند برای امام دست‌آویزی بر نفی امامت ایشان گردیده بود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۲۷۷) که با تولد امام جواد علیه السلام این بهانه زائل گردید. هر چند در روایت دوم ذکر شده از احمد بن اسحاق سخن از محتوای نامه یادگردیده به میان نیست اما از گزارش‌های مکمل برمی‌آید محتوای نامه پیرامون تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است. (مسعودی، ۱۳۸۴ش: ۲۵۵؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۳-۴۳۴) به عبارت دیگر امر تردید بدان سبب بوده است که ماجرای تولد فرزند و جانشین امام از دید مردمان پنهان بوده است. زین رو می‌طلبید امام علیرغم مسئله مهدویت و غیبت برای دوازدهمین حجت در راستای اثبات امامت خود و نص بر امامت جانشین به معرفی فرزندش اهتمام داشته باشد. امری که می‌بایست با رعایت اصول پنهان‌کاری جهت حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه می‌بود. آگاه ساختن اندک افرادی از پیروان مورد اعتماد که پس از فقدان امام یازدهم مسیر امامت دوازدهمین پیشوا بدون نشان باقی نماند در شرایط تحت نظر بودن امام عسکری علیه السلام که جان این فرزند با خطر مرگ مواجهه نگردد امری بس سترگ بود. با این‌که اختناق موجود و تحت نظر بودن بیت امام عسکری علیه السلام در سامراء امکان ارتباط عادی میان شیعیان و حضرتش را با مشکلاتی مواجه ساخته بود اما امام یازدهم از فرصت‌های اندک موجود استفاده کرد و بشارت تولد فرزندش را به یاران مورد اعتماد رساند. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۰، ۴۳۲ و ۴۳۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۴-۲۳۷)

این بشارت دهی بر دو شیوه قابل رصد است. در گونه اول امام برخی پیروان خود را از تولد و وجود فرزند برای خود آگاه می‌گرداند بی‌این‌که سخن از دیدار با این فرزند در روایت به میان باشد. ابوهاشم جعفری یکی از اصحاب خاص امام است^۱ که چون از جانشین حضرت سؤال می‌کند امام وی را از وجود فرزندش آگاهی می‌بخشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۴۸) محمد بن علی بن بلال از وکلای عصر امام عسکری علیه السلام در نامه‌ای از حضرت خبر وجود فرزندی برای امام را دریافت کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۸؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۹۹) از جمله افراد دیگر می‌توان به «احمد بن اسحاق اشعری قمی» از یاران

۱. داود بن قاسم با کنیه ابوهاشم از نسل جعفر طیار معرفی شده است که نزد ائمه دارای جلالت مقام بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۳ش: ۱۵۶)

خاص و وکیل حضرت در قم اشاره کرد (ر.ک: جباری، ۱۳۸۲ش: ج ۲، ۵۴۸-۵۵۶) که نامه‌ای از حضرتش دریافت کرد که در آن آمده بود:

برای ما فرزندی متولد شد. این خبر نزد تو به امانت باشد و آن را از مردمان پنهان دار زیرا ما آن را جز بر نزدیکان و پیروان خاص خود آشکار نساختم. این را بر تو اعلام کردیم تا خدا تو را بدان شاد کند همان گونه که ما را به آن مسرور ساخت. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۳-۴۳۴)

چون مدت زمانی بعد در دیدار احمد با امام عسکری علیه السلام حضرت از وی سؤال می‌کند: حال شما در مورد مسئله‌ای که مردمان در آن به شک و تردید هستند چگونه است؟ احمد پاسخ می‌دهد: هنگامی که خبر تولد فرزند شما به ما رسید هیچ کس در میان ما نبود مگر آن که معترف به حق گردید. (مسعودی، ۱۳۸۴ش: ۲۵۵؛ اصل گزارش بدون اشاره به ماجرای تولد فرزند: صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۲۲۲)

این نوع گزارش‌ها نشان می‌دهد که چگونه پیروان واقعی حضرت در قم پس از آگاهی از تولد امام مهدی علیه السلام به وسیله نامه امام یازدهم مؤدّه به دنیا آمدن دوازدهمین حجت خدا را میان خود بشارت داده‌اند تا حقیقت بر رهروان صدیق راه ائمه علیهم السلام آشکار گردد و از شک و دودلی به در آیند. در گونه دوم امام عسکری علیه السلام در ملاقات با برخی شیعیان علاوه بر اعلام تولد فرزندشان با پرده از چهره برداشتن و نشان دادن این مولود ایشان را در به یقین قلبی رسیدن به وجود حجت دوازدهم و رسانیدن خبر به دیگر رهروان یاری رسان می‌گردد. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۴-۲۳۷) دیدارهایی که نقل آن‌ها برای دیگر شیعیان می‌توانست راه‌گشای شناخت جانشین امام عسکری علیه السلام و تشخیص مصداق مهدی علیه السلام باشد. به رسم مثال شیخ صدوق و شیخ طوسی از حضور جمعی از بزرگان شیعه در منزل امام یازدهم گزارش داده‌اند که آن حضرت فرزندش را به ایشان نشان داد و فرمود:

این امام پس از من و جانشین من است، از او پیروی کنید و پس از من در دین خود متفرق نشوید که هلاک خواهید شد. این را نیز بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۷)

همچنین احمد بن اسحاق در زمره کسانی است که به هنگام حضور در بیت امام در سامرا حلاوت بشارت تولد امام مهدی علیه السلام با نشان داده شدن این مولود توسط امام عسکری علیه السلام به او تکمیل می‌گردد. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۸۴؛ ارلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۵۲۶) البته از آن جا که دستگاه خلافت عباسی در جست‌وجوی تولد این فرزند و نشانی از وی بود (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۳۶) لذا مسئله مهم دیگر در این دوران مخفی نگاه داشتن این کودک از نگاه حمرانان

عباسی و جاسوسان آنان بود. این امر از دو منظر قابل تأمل است. نخست آن که امام عسکری (علیه السلام) می‌بایست ضمن اطلاع‌رسانی تولد فرزند خود به برخی از پیروان از شیوع این خبر پیشگیری می‌نمود لذاست که امام به هنگام خبررسانی از این افراد درخواست دارد که امر تولد این نوزاد می‌باید پنهان بماند و گسترش عمومی نیابد. در نامه‌ای که امام به احمد بن اسحاق قمی وکیل خود در قم نگاشت ضمن بیان تولد فرزندش می‌نگارد:

این خبر نزد تو به امانت باشد و آن را از مردمان پنهان دار زیرا ما آن را جز بر نزدیکان و پیروان خاص خود آشکار نساختمیم. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۳-۴۳۴)

افزون بر کتمان امر تولد بدان روی که ممکن بود وجود کودکی در منزل امام از تیررس نگاه جاسوسان پنهان نماند می‌بایست این کودک در اختفای کامل زندگانی نماید. نکته‌ای که امام عسکری (علیه السلام) را بر آن می‌داشت تا از آشکارسازی علنی تولد فرزندش خودداری کرده و تلاش نماید تا او را از دید دیگران پنهان بدارد. شاید از این رو باشد که حتی امام در جمع بزرگان و سران شیعه پس از نشان دادن فرزندشان به آن جمع در راستای خبررسانی تولد اعلام می‌دارد که زین پس این فرزند را مشاهده نخواهند کرد. (همان: ج ۲، ۴۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۷) این اقدام را می‌توان از این نگاه نیز مورد توجه قرار داد که ممکن بود این افراد با بیان دیدار خود با فرزند امام در دل‌های دیگر پیروان شوق‌آفرینی نمایند تا به جهت ملاقات راهی سامراء شوند یا خود دوباره به آرزوی ملاقاتی دیگر به منزل امام درآیند. گزارش‌هایی نیز نشان از آن دارند که امام یازدهم فرزند خویش را برای در امان بودن از تیررس نگاه جاسوسان روانه‌ی مدینه ساخته باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۸؛ مسعودی، ۱۳۸۴ش: ۲۵۵-۲۵۶)

چالش رسانیدن معارف دینی به شیعیان: اهتمام معصومان به آگاهی دادن مردم به دستورات دینی امری در راستای وظیفه هدایت و رهبری مردمان جامعه است. به دلیل نظارت دستگاه عباسی بر فعالیت‌های امام عسکری (علیه السلام) در عمل امکان دسترسی آسان به امام میسر نبود و این مسئله می‌توانست بر نشر معارف دینی در میان پیروان حضرت تأثیر منفی نهسد. هر چند با بهره‌گیری از ظرفیت وجود و کیلان در مناطق مختلف تا حدی این نقیصه امکان جبران یافته بود اما احادیث امام نشان از آن دارد که حضرت این امر خطیر را یک وظیفه عمومی برای تمامی پیروان اهل علم خود می‌دید و تلاش داشت با ترغیب ایشان این کاستی جبران شود. با نگاهی به احادیث منتسب به امام عسکری (علیه السلام) در باب علم، اهتمام آن بزرگوار به راهنمایی و ارشاد شیعیان ناآگاه به دستورات دینی از جانب عالمان امامیه قابل مشاهده است. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۶-۲۰) فراوانی این روایات در نقل از جانب امام حکایت‌گر این مسئله

می‌تواند باشد که به روزگار امام به دلیل عدم دسترسی شیعیان به پیشوای شان، امام عسکری علیه السلام وظیفه عالمان را در شرایطی این چنینی بر آنان مشخص می‌سازد. به رسم مثال از امام آمده است:

یتیم‌تر از کسی که پدر و مادر خویش را از دست داده باشد آن کسی است که از امامش به دور افتاده و بدو دسترسی نداشته باشد و در گرفتاری‌ها نمی‌داند احکام دینش چیست. بدانید هر که از شیعیان ما به علوم ما آگاه است، چنین ناآگاهی که از دیدار ما محروم است، یتیم دامن اوست. بدانید هر که او را راهنمایی و ارشاد کند و شریعت ما را به او بیاموزد در جایگاه والایی با ما خواهد بود. (همان: ج ۱، ۱۶)

چالش جریان‌های انحرافی: انحراف از مسیر هدایت هرگاه به صورت جمعی چهره نشان داده باشد امری است که ظرفیت چالش‌آفرینی را با خود همراه داشته است. در بررسی تاریخ زندگانی ائمه علیهم السلام همواره مقابله با اندیشه‌ها و جریان‌های ناصواب در صدر فعالیت‌های ایشان قابل رصد است. این امر در روزگار امام حسن عسکری علیه السلام نیز در شمار چالش‌هایی است که حضرت به مقابله با آن اهتمام داشته است.

جریان غلو را می‌توان در رأس جریان‌های انحرافی دانست که به دلیل برآمدن از بستر گرایش به ائمه علیهم السلام با انتساب یافتن به شیعیان بیشترین آسیب‌زایی را به همراه داشته‌اند. لذاست که ائمه علیهم السلام در مواجهه با این جریان همواره بر موضع مقابله و روشننگری بوده‌اند. غلو در لغت به معنی ارتفاع و تجاوز از حد آمده است. (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۶، ۲۴۴۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۱۳۲) در اصطلاح عالمان شیعه غالی به کسی گفته می‌شود که درباره رسول - خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام مسیر افراط را در پیش گیرد و آنان را از جایگاه خود به مرتبه خدایی رساند. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۳۱) نکته قابل توجه آن است که به روزگار امام هادی علیه السلام غالیان حضور فعال‌تری در جامعه اسلامی داشته‌اند لذا اخبار زیادی نیز از مقابله حضرت با اینان در منابع بازنشر یافته‌اند. در برخی نگاشته‌ها در ترسیم مقابله امام عسکری علیه السلام با غالیان استناد به گزارش‌هایی شده است^۱ که در واقع اقدامات امام هادی علیه السلام می‌باشند. دلیل این اشتباه نیز آن است که در کتاب رجال کشی به عنوان اولین منبع، در تیتردهی از غالیان روزگاری محمد عسکری علیه السلام یاد شده است، (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۶) اما نکته آن است که در بیشتر روایات ذیل این عنوان کنیه ابوالحسن عسکری دیده می‌شود که ناظر به امام هادی علیه السلام می‌باشد. در تک

۱. احمدی کچایی، رفتارشناسی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در تقابل با جریان‌های انحرافی؛ کریم‌زاده، بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین علیهم السلام با فرق.

روایاتی هم که نام معصوم یاد نشده است با تأمل در نام و نشان راویان و این‌که راوی صحابی کدام امام معرفی شده است^۱ این نکته حاصل می‌آید که علی‌رغم انتساب این روایات به امام عسکری (علیه السلام) در عبارت تیتزمنبع، در واقع این اقدامات از جانب امام هادی (علیه السلام) بوده است. باید گفت خلط روی داده اشتباه ابی محمد عسکری با علی بن محمد عسکری است نکته‌ای که در تصحیح یکی از چاپ‌های این کتاب توسط مصحح در پاورقی بدان اشاره‌ای شده است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۶) که با توجه به بحث راوی می‌تواند تقویت گردد. در میان غالیان مشهور حسن بن محمد معروف به ابن بابا قمی (همان: ۵۲۰؛ طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۸۶ و ۳۹۹) و ابومحمد حسن بن موسی شریعی (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۷) را در شمار اصحاب امامین عسکریین (علیه السلام) دانسته‌اند که مسیر غلو در پیش گرفتند. با این‌که منابع از اقدامات امام عسکری (علیه السلام) در مواجهه با اندیشه‌های انحرافی داده‌های کمتری را نسبت به امام هادی (علیه السلام) در اختیار می‌نهند اما همین داده‌های اندک نشان از آن دارد که این اندیشه‌ها در جامعه عصر ایشان نیز مطرح بوده است و امام به مقابله با آن‌ها همت گماشته است. آمده است فردی به نام ادريس بن زیاد در مورد اهل بیت (علیه السلام) سخنان غلوآمیز بر زبان جاری می‌ساخته است. زمانی وی برای دیدار با امام عسکری (علیه السلام) به سامراء می‌رود. قبل از شرف‌یابی به محضر امام برای زدودن آثار سفر مسیر حمام در پیش می‌گیرد و بر اثر خستگی در آنجا به خواب می‌رود. زمانی که بر اثر ضربه امام به خود می‌آید حضرت با تلاوت آیه «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْتَفِئُونَ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (انبیاء: ۲۶-۲۷) وی را متوجه اندیشه‌های ناصوابش می‌گرداند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۸) باید دانست آیات تلاوت شده در ارتباط با انگاره‌های نادرستی مانند انتساب فرزند به خدا دادن بوده است که پروردگار به نفی آنها می‌پردازد و بیان می‌دارد اینان (فرشتگان) نیز آفریده و فرمانبردار خداوند. این سخن امام کنایه‌ای بر نادرست بودن انگاره آفریدگاری ائمه (علیه السلام) و استقلال ایشان در عمل می‌باشد که از سوی غلات مطرح بوده است. در ماجرای دیگر زمانی که فردی به نام کامل بن ابراهیم مدنی جهت پرسش از برخی باورهای مطرح درباره امامان به سامراء می‌آید امام در مورد انگاره مفوضه در تفویض امور از جانب خداوند به ائمه (علیه السلام) می‌فرماید:

آنها دروغ می‌گویند بلکه قلب‌های ما ظرف مشیت الهی است.

۱. نام افرادی مانند احمد بن محمد بن عیسی و ابراهیم بن شبیه که بیان می‌دارند در مکاتبه با امام در مورد این غالیان نوشته‌ای برای ایشان آمده است در شمار اصحاب امام هادی (علیه السلام) آمده است و در ذکر اصحاب امام عسکری (علیه السلام) نامی از ایشان به میان نیست. در حالی که مکاتبه و داشتن روایت امر مهمی است که به هنگام ذکر صحابی ائمه نادیده گرفته نمی‌شود. (برای صحابی بودن این افراد بنگرید: طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۸۳-۳۸۴)

هرگاه خدا خواست ما می‌خواهیم و خداوند می‌فرماید:

﴿مَتَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾. (انسان: ۳۰؛ تکویر: ۲۹)

واقفیه فرقه‌ای درون گروهی از امامیه بود که در امامت هفتمین حجت توقف اختیار کرد. اینان در مقابل اندیشه استمرار امامت از انگاره غیبت و مهدویت امام کاظم (ع) دفاع می‌کردند. به دلیل جایگاه اجتماعی و مذهبی سران این فرقه می‌توان این جریان را از پرنفوذترین جریان‌های انحرافی در دوران امام رضا (ع) و ائمه ابناءالرضا (ع) دانست. در برخی منابع آمده است: از امام عسکری (ع) در مورد توقف‌کنندگان بر امام کاظم (ع) سؤال شد. حضرت در پاسخ نگاشت: ... پس ایشان را دوست مدار و از بیماران‌شان عیادت مکن و هرگز بر جنازه کسی از ایشان نماز مگذار، چه امامی را که از طرف خداست انکار کند یا امامت کسی را که از جانب خدا نیست بر امامان بیفزاید. (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۵۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۲۹-۴۳۰)

با آن‌که شیوه ائمه هدایت شیعیان به همگرایی اجتماعی با مسلمانان در اموری بسان عیادت از مریض، حضور در تشییع جنازه و... می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶۳۵) این دستور امام می‌تواند در راستای جلوگیری از امکان نفوذ فکری این جریان‌ها در روابط اجتماعی با پیروان حضرت نگریسته شود.

حرکت زنگیان (۲۵۵-۲۷۰ق) دیگر چالشی است که با توجه به وجود اندیشه‌های انحرافی در آن موضع امام عسکری (ع) نسبت بدان قابل تأمل است. این حرکت که گروه‌های زیادی از مردم از جمله شیعیان را درگیر خود ساخته بود با ادعای علوی بودن رهبر این حرکت و اندیشه‌های مهدی‌گرایانه در ارتباط بود. (ر.ک: طقوش، ۱۳۸۳ش: ۱۹۸) امام عسکری (ع) با جمله «صَاحِبُ الزَّيْنِجِ لَيْسَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۲۵) انتساب وی به علویان و صواب بودن اندیشه‌های وی را باطل می‌شمارد.

از گزارش‌های این قسمت به دست می‌آید امام در برخورد با جریان‌های انحرافی تلاش داشته است تا با استدلال به قرآن به عنوان منبع اصلی معارف دینی، بنیان‌های اندیشه‌ای ایشان را با خدشه مواجه سازد ضمن آن‌که اهتمام به دور داشتن شیعیان از این افراد و قرار نگرفتن در مسیر سوء استفاده امری بوده است که امام بدان نیز توجه داشته است.

چالش‌های فراروی سازمان وکالت: رصد فعالیت‌های امام عسکری (ع) از جانب دستگاه خلافت عباسی، سکونت در سامراء، نزدیکی امر غیبت و... باعث شده بود تا امام رسیدگی به امور پیروان خویش را بیشتر از طریق منصب وکالت و کارگزاران آن به انجام رساند. منصبی که

امروزه از آن بیشتر با عنوان سازمان وکالت یاد می‌شود. باید دانست پنهان نگاه داشتن فعالیت‌ها از تیررس جاسوسان حکومت لازمه حیات این سازمان بود لذاست که عثمان بن سعید سروکیل عصر امام عسکری (علیه السلام) در پناه شغل روغن‌فروشی نامه‌ها و اموال را به امام می‌رسانیده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۴) یا آن‌که آمده است:

روزی امام یکی از کارگزاران خود را طلب کرد و با سپردن قطعه چوبی به وی خواست تا آن را به عثمان بن سعید برساند. در راه قاصد با آب‌فروشی برخورد می‌کند و به جهت بازکردن مسیر با چوب بر حیوان وی می‌زند که چوب ترک بر می‌دارد. قاصد متوجه می‌گردد در میانه چوب نامه‌هایی پنهان‌سازی شده است لذا به سرعت باز می‌گردد و امام با بیان وضعیت ناامن سامراء و لزوم خویشتن‌داری، او را به سبب آنچه انجام یافته است مؤاخذه می‌کند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۷-۴۲۸)

رعایت اصل پنهان‌کاری چنان بوده است که امام حتی قاصد خود را از جاسازی نامه‌ها درون چوب آگاه نمی‌سازد و اگر چنین واقعه‌ای رخ نمی‌داد قاصد از اطلاع نمی‌یافت. با توجه به داده‌های منابع می‌توان این چالش‌ها را در ارتباط با سازمان وکالت به روزگار امامت امام عسکری (علیه السلام) رصد کرد:

رعایت سلسله مراتب سازمانی

فعالیت در قلمرو جغرافیایی منطقه معین شده و ارتباط با مافوق مشخص در سامان‌یابی امور سازمانی امری بایسته است. این مسئله به روزگار امامت امامین عسکریین (علیهم‌السلام) به دلیل تحت نظر بودن ایشان در سامراء نمودی بارز می‌یابد. به گونه‌ای که از امام هادی (علیه السلام) در نامه - ای با عتاب آمده است:

ای ایوب بن نوح من تو را به پرهیز از ارتباط زیاد با ابوعلی امر می‌کنم و همچنین دستور می‌دهم هر یک از شما ملتزم به آن چیزی باشید که مأمور بدان شده‌اید که در ناحیه خود آن را به انجام رسانید. چرا که اگر شما به آن چه بدان مأموریت یافته‌اید عمل کنید از مراجعه مکرر به نزد من بی‌نیاز خواهید بود. و ای ابوعلی تو را نیز به مثل آن چه به ایوب گفتم سفارش می‌کنم. ای ایوب مبادا از اهل بغداد و مدائن چیزی بپذیری و اذنی برای ایشان صادر کنی و هر آن کس که از غیر ناحیه تو به نزد آمد به وکیل ناحیه خودش ارجاع بده و به تو ای ابوعلی مثل آنچه را به ایوب گفتم امر می‌کنم. و هر یک از شما می‌بایست تنها به آن چه مأمور است اقدام نماید. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۴)

چنان‌چه از متن نامه هویدا است بی‌نیازی از مراجعه مکرر به نزد امام از اسباب این دستور

خوانده شده است. امری که به رعایت پنهان کاری در امور سازمان بازمی‌گردد زیرا مراجعه زیاد امکان برملا ساختن امور را به همراه می‌آورد. به نظر می‌رسد این مشکل علیرغم دستور صریح امام هادی علیه السلام در عصر امام عسکری علیه السلام نیز بروز می‌یافته است امام بر رعایت سلسله مراتب سازمانی تاکید دوباره دارد. چون امام ابراهیم بن عبهه را بر وکالت در نیشابور می‌گمارد در نامه‌هایی شیعیان منطقه را موظف به پیگیری امور از طریق ابراهیم می‌کند و ابراهیم نیز دستور می‌یابد که با رازی^۱ یا فرستاده او در ارتباط باشد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۷۵-۵۸۱) ماجرای دیگر در امر عدم دخالت در امور وکلا از جانب یکدیگر به ابوطاهر بلالی مرتبط است. ابوطاهر محمد بن علی بن بلال از اصحاب امام عسکری علیه السلام است. بدان روی که شیخ طوسی نام وی را در شمار وکلای مذموم پیش از روزگار غیبت صغری آورده است می‌توان از وکالت وی برای امام یازدهم سخن گفت. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۳) در سفری به حج ابوطاهر با علی بن جعفر همامی (ر.ک: جباری، ۱۳۸۲ش: ج ۲، ۵۳۷) از وکلای شناخته شده امام عسکری علیه السلام همسفر بود. از آن جا که علی بن جعفر در این سفر اموال فراوانی را به مستمندان بخشید در بازگشت ابوطاهر در نامه‌ای به امام عسکری علیه السلام از گشاده‌دستی علی بن جعفر شکایت کرد. امام در پاسخ بدو اظهار داشت این امر به فرمان امام بوده است و تازه علی بن جعفر می‌بایست دو برابر آن را می‌بخشیده است اما به دلیل رعایت جانب امام تنها بدان مقدار اکتفاء کرده است. در ادامه امام بیان می‌دارد ابوطاهر از دخالت در اموری که بدو مربوط نیست خودداری کند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۰) از متن نامه نقل شده از امام به وضوح مشخص است ایشان از دخالت ابوطاهر در این ماجرا ناراحت بوده و او را از وارد شدن به امور دیگر وکیلان که به وی مرتبط نیست برحذر می‌دارد.

در تحلیل این ماجرا باید گفت از آن جا که در سازمان‌ها رعایت سلسله مراتب و عدم دخالت کارگزاران در وظائف یکدیگر امری است که در رسیدن سازمان به اهداف از پیش تعیین شده و پیگیری از آسیب‌زایی مؤثر است لذا امام نیز با تعیین قلمرو فعالیت، وکیلان خود را به این مهم توجه می‌داده است.

حفظ جایگاه منصب وکالت

در پی فرستادن ایوب بن ناب از منطقه عراق به وکالت در منطقه نیشابور گروهی از شیعیان در وکالت وی برای امام عسکری علیه السلام تردید کرده و از دادن اموال به ایشان خودداری ورزیدند.

۱. احمد بن اسحاق رازی وکیل در منطقه ری بوده است. (ر.ک: جباری، ۱۳۸۲ش: ج ۲، ۵۶۷)

ایوب در نامه‌ای به امام از فضل بن شاذان گلایه کرد که فضل وکالت او را از اصل باطل دانسته و مردم را از دادن حقوق مرتبط با امام به این وکیل منع می‌نماید. گروهی از شیعیان طرفدار وکیل نیز در نامه‌ای از رفتار فضل به امام شکایت بردند. به نظر می‌رسد با توجه بدان که در گزارش بر ورود ایوب در نیشابور بر شیعیانی که بر اندیشه‌های غالبانه نسبت به ائمه بودند و همنشینی وی با ایشان اشاره شده است بتوان دلیل رفتار فضل را در اختلاف اندیشه‌ای با این افراد دانست. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۴۲-۵۴۳) به هر روی با توجه به این که تردید فضل در اصالت وکالت ایوب و بازداشتن شیعیان از تحویل اموال به وی امری ناصواب بوده است و باعث ایجاد اختلاف و دودستگی در میان پیروان امام نسبت به وکیل ایشان شده بود امام در نوشته - ای رفتار در پیش گرفته شده توسط فضل را برنتافته و او را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد. (همان: ۵۴۳) با این حال گویا وکالت ایوب در منطقه با اقبال عمومی مواجه نگشته و لذا امام وکیل دیگری را به نام ابراهیم بن عبده^۱ بر منطقه می‌گمارند. اما نکته آن است که در راستای سامان دادن وضعیت پیش آمده امام تنها به فرستادن وکیل اکتفاء نمی‌کند و با نوشتن نامه به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری و عبدالله بن حمدویه بیهقی از صحابیان (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۹۷ و ۴۰۰) صاحب نفوذ امام در منطقه با هشدار نسبت به رفتار مردم آن دیار با وکیل قبلی، ایشان را افزون بر همکاری خود با وکیل جدید به سوق دادن پیروان شان بدین امر نیز فرامی - خواند و نسبت به عدم همراهی و نپرداختن حقوق شرعی هشدار می‌دهد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۷۵-۵۸۱)

در تحلیل این ماجرا باید گفت به سبب وجود اندیشه‌های رقیب در مباحث امامت در منطقه فضل بن شاذان در راستای مقابل با جریان اندیشه‌ای مقابل این برخورد را در پیش می - گیرد اما چون مواجهه باعث شده بود تا شیعیان در وکالت وکیل امام شک نمایند و از تحویل اموال متعلق به امام به ایشان خودداری کنند امام شیوه در پیش گرفته شده توسط فضل را در برابر وکیل خود بر نمی‌تابد و تلاش دارد این نوع اختلافات به انکار کارگزاری وکیلان در منطقه منتهی نگردد لذا با ارسال نامه‌های متعدد و استفاده از جایگاه دیگر بزرگان منطقه در تلاش هستند تا جایگاه منصب وکالت در منطقه با خدشه مواجه نگردد.

انحراف و خیانت

به سبب شرایط خاص حاکم بر سازمان وکالت و جایگاه اجتماعی وکیلان ائمه (علیهم السلام) در میان

۱. ابراهیم بن عبده نیشابوری از اصحاب امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام) است. (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۸۴ و ۳۹۷)

مردم انحراف و خیانت از سوی کارگزاران این سازمان می‌توانست آسیب‌های فراوانی را متوجه آن نماید. لذا در صورت بروز این چالش ضروری بود امام به مدیریت آن اقدام نماید تا شیعیان و سازمان از تبعات منفی آن به دور مانند.

عروة بن یحیی که با لقب دهقان از وی یاد شده است در شمار اصحاب امام هادی علیه السلام بوده است که در ماجرای انحراف فارس بن حاتم از امام کسب تکلیف نموده است. (همان: ۵۲۲) به روزگار امام عسکری علیه السلام عروه در بغداد وکالت از ایشان را عهده‌دار بوده است و اموال متعلق به امام را از شیعیان دریافت می‌داشته است. عروه در امر وکالت تا بدان جا پیش رفت که خزانه - داری اموال امامت پس از ابوعلی بن راشد از جانب امام عسکری علیه السلام به وی سپرده شد. (همان: ۵۷۳) اما به دلائلی که بر ما آشکار نیست عروه مسیر انحراف و خیانت در پیش گرفت. از آن جا که شیخ طوسی عروه را غالی خوانده است (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ۳۸۹) و با توجه به گزارشی از کشی به نظر چنان است که وی ابتدا گام در مسیر غالی‌گری و انتساب انگاره‌های دروغین به امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام نهاده است و چون با مخالفت امام عسکری علیه السلام روبه رو گردیده است در مقابله با برخورد امام بخشی از اموال ایشان را برای خود برداشته و بخشی دیگر را به آتش کشانیده است. (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۵۷۳) داده‌های موجود بر آنند که امام وقتی انحراف عروه را مشاهده می‌کند و او را در پیمودن مسیر انحراف مصر می‌یابد شیعیان را به دوری گرفتن از عروه فرامی‌خواند و ایشان را از تحویل اموال به او باز می‌دارد. اما این اقدام بازدارنده امام عروه را متنبه نمی‌سازد و او به جهت مقابله با امام بخشی از اموال امامت که نزد او بوده است را برای خود برداشته و مابقی اموال را نیز به آتش می‌کشد. این اقدام عروه که نشان از پای فشاری او در مسیر انحراف بوده است سبب می‌شود امام ضمن لعن و براءت، وی را نفرین نماید و از خداوند به پایان رسانیدن زندگی عروه را طلب کند. (همان: ۵۷۳)

با آن‌که مسئله انحراف و خیانت در سازمان وکالت به روزگار امام عسکری علیه السلام تنها یک مورد داشته است اما اهمیت امر به گونه‌ای است که امام با آن مقابله می‌نماید و در ابتدا با اطلاع - رسانی ماجرا پیروان خود را از عروه به دور می‌دارد تا اندیشه‌های عروه در میان شیعیان بر اثر ناآگاهی تلقی به قبول نشود. سپس چون عروه بر مسیر انحراف و خیانت پای می‌فشارد و رهنمودهای و مقابله‌های اولیه در وی تأثیرگذار نمی‌افتد امام با لعن وی طلب پایان دادن به زندگی او را از خداوند طلب می‌کند. باید دانست در نمونه مشابه به روزگار امام هادی علیه السلام فارس بن حاتم همین شیوه را در پی گرفته بود که آمده است امام توسط یکی از شیعیان وی را

به مجازات اعمال خود می‌رساند (همان: ۵۲۳-۵۲۴) اما به نظر در روزگار امام عسکری علیه السلام این شرایط فراهم نبوده است لذا امام با شکایت بردن از عروه به درگاه الهی مرگ وی را طلب می‌کند.

نتیجه‌گیری

جامعه امامیه به روزگار پیشوایی هر یک از امامان با بحران‌هایی مواجه بوده است که ائمه در تلاش بوده‌اند پیروان خود را به سلامت از آن عبور دهند. در عصر امامت یازدهمین پیشوا نیز چالش‌هایی آسیب‌زایی به جامعه امامیه را می‌توانست در پی داشته باشد. اختلاف در مصداق-یابی امام به عنوان نخستین چالش امری بود که حضرت در برابر آن تبیین امامت خویش را برای شیعیان در دستور کار داشت. دور ماندن شیعیان از معارف اهل بیت علیهم السلام به سبب‌هایی از جمله عدم دسترسی آسان به امام مشکل جدی دیگری بود که امام تلاش کرد با بهره‌جستن از ظرفیت وجود آگاهان به معارف اهل بیت در مناطق مختلف جهان اسلام بر آن فائق آید. جریان‌های انحرافی مانند غالیان و... در جامعه سبب می‌شدند گاه امامیه نیز به دام آنان گرفتار آیند گزارش‌ها نشان از آن دارند که حضرت در مواجهه با آنان نشان دادن بطلان اندیشه‌های ایشان را براساس قرآن به عنوان منبع معارف دینی مدنظر داشته است. ضمن آن-که اهتمام بر آن بوده است تا شیعیان در بستر همراهی اجتماعی با ایشان قرار نگیرند. سازمان وکالت به روزگار امام عسکری علیه السلام نیز با چالش‌هایی از قبیل اختلاف و انحراف مواجه شده است که حضرت با اطلاع‌رسانی و اقدامات لازم در تلاش بوده‌اند آسیب‌زایی آن را کنترل نمایند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران، اسلامیه.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل‌ابی طالب علیهم السلام*، قم، علامه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، بیروت، دارالفکر-دارصادر.
۴. احمدی کچایی، مجید؛ ترابی میبیدی، روح‌الله (۱۳۹۳ش)، «رفتارشناسی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، شماره ۱۱.

۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی‌هاشمی.
۶. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ش)، *المقالات والفرق*، بی‌جا، علمی و فرهنگی.

۷. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصرائمه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۹. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الكبرى*، بیروت، البلاغ.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. ذوعلم، علی (۱۳۸۴ش)، «تأملی در مفهوم چالش»، *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، شماره ۳۶.
۱۲. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۳. رحمانی، حسین؛ حاجی زاده، یدالله (۱۳۹۰ش)، «تحلیلی بر فرقه های عصر امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام و موضع گیری امامان»، *مجموعه مقالات شکوه سامراء*، به اهتمام محمدحسن حیدری، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۱۵. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۱۶. طقوش، محمدسهیل (۱۳۸۳ش)، *دولت عباسیان*، ترجمه: حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۳ش)، *رجال*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۸. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم، دارالمعارف الإسلامیه.
۱۹. کریم زاده، ریحانه؛ سجادی، رضیه سادات (۱۳۹۴ش)، «بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین علیهم السلام با فرق، مذاهب و جریان های فکری معاصر آنان»، *پژوهش نامه مذاهب اسلامی*، شماره ۴.
۲۰. کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴ش)، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان.
۲۳. معین، محمد (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
۲۴. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

۲۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *تصحیح اعتقادات امامیه*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۳ش)، *رجال*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۷. نسابه، سید محمد علی (۱۴۲۲ق)، *المجدی فی انساب الطالبین*، قم، مكتبة آیت الله المرعشی النجفی.
۲۸. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق)، *فرق الشیعه*، بیروت، دارالأضواء.